

عنوان مقاله:

مفهوم ادبیات هستی شناسانه در غزل غزل های سلیمان

محل انتشار:

نخستین کنفرانس ملی معماری، موسیقی، ادبیات (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 33

نویسنده:

فرزانه پورمحمدعلی قنواتی - کارشناس ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده هنرهای نمایشی و موسیقی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

بررسی شکلی از ویژگی های ادبی/ زیبایی شناختی در غزل های سلیمان بیانگر نوعی خاص از ادبیات است که به باور محقق ادبیات هستی شناسانه نام دارد. محقق معتقد است ادبیات هستی شناسانه نوعی ویژگی در برخی متون کهن ادبی است که برپایه معماری، فلسفه و دین پایه گذاری شده است و این عناصر ارتباطی تنگاتنگ میان انسان، شعائر دینی و فضای حقیقی با زندگی روزمره برقرار می کنند. این عناصر با شکل گیری دیالوگ در زندگی روزمره ارتباطی تنگاتنگ دارند. در این میان معماری ساختاری اساسی در ادبیات هستی شناسانه دارد. ما در ادبیات هستی شناسانه با بخشی از معماری سروکار داریم که زمینه را برای ایجاد بحث فلسفی فراهم می سازد. در ادبیات هستی شناسانه، عناصر چهارگانه زمین(نور)، آسمان(الوهیت)، باقیان(طبیعت) و فانیان(انسان) با هم دیالوگ را می سازند که در دیالوگ معمارانه و فضیلت شناسی محیطی و ارگانیزم عرفانی نمایان می شود. هدف از این تحقیق، کنکاش در مفهوم دیالوگ بر اساس رابطه گفتگویی میان انسان و فضا با نگاهی به هستی شناسی هایدگری است. ساختار فلسفی اثر با تزویج اندیشه های معمارانه و اندیشه های ادبی به قدرت دراماتیک اشیاء و طبیعت جهت می دهد؛ همچنین رابطه فضا و دیالوگ و طبیعت درونی دیالوگ در فضا آشکار می شود و ضمن پدیدآوری دیالوگ، ساختار نظام ادبی در جامعه ای کهن را آشکار می کند.

کلمات کلیدی:

غزل های سلیمان، ادبیات هستی شناسانه، دیالوگ، معماری، هایدگر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/485774>

